

## بررسی تطبیقی ساختار ارتباط‌دهنده فضاهای باز و بسته معماری سنتی و مدرن شهرهای منطقه آذربایجان ایران

### چکیده

در طول تاریخ خانه به‌عنوان مهم‌ترین مکانی که سازگار با زندگی انسان باشد، شناخته شده است. به‌علت عدم شناخت کافی از کاربران و نیازهای آن‌ها، امروزه تغییرات زیادی در بحث مسکن و ساخت‌ساز فعلی مشاهده می‌شود که منجر به بی‌هویتی خانه‌ها و حرکت به‌سوی یکسان‌سازی در سطح کشور شده است. روی آوردن به یک معماری که بر پایه شناخت نیازها، شیوه زندگی، باورهای بومی که در طول زمان تبدیل به فرهنگ آن جامعه شده است و هویت خاصی را به آن اختصاص می‌دهد، می‌تواند موجب افزایش حس تعلق به فضا و در کل رضایت‌مندی ساکنین از برآورده شدن نیازهای واقعی خویش باشد. در واقع این مؤلفه طراحی همان فضای بینابین می‌باشد. هدف این پژوهش تحلیل فضایی فضاهای ارتباط‌دهنده مسکن‌های سنتی و مدرن منطقه آذربایجان و تاکید آن بر نحوه قرارگیری ساختمان در فضاها می‌باشد. روش انجام این پژوهش ترکیبی (توصیفی و کیفی، تحلیلی و سرانجام استدلال منطقی) است؛ به‌طوری‌که از نظر مکان تحقیق کتابخانه‌ای-اینترنتی-میدانی و از نظر نوع داده‌ها کمی و کیفی است. در این مطالعات پس از بررسی خانه‌های سنتی و مدرن شهرهای اردبیل، تبریز و زنجان به ارائه راهکارهای مطلوبی به منظور استفاده از فضاهای ارتباط‌دهنده معماری سنتی در خانه‌های مدرن در منطقه آذربایجان کشور پرداخته شده است، چیزی که حائز اهمیت است، عدم توجه معماری امروزی منطقه به اصول و مفاهیم گذشته است. مفاهیمی که گاهی از روی ناآگاهی با تعاریف نامأنوس دیگران جایگزین شده است. این درحالی است که همان مخاطبان نیازهایی را مطرح کرده‌اند که طی گذر زمان فضاهای پاسخ‌ده همان نیازها از بین رفته است و یا کمرنگ شده است. مسکن مطلوب مسکنی است که برپایه انسان و ارزش‌های انسانی، تجلی‌گاه ارزش‌های فرهنگی، تأمین‌کننده آرامش و آسایش انسان شکل گرفته باشد.

### اهداف پژوهش:

۱. تبیین الگوی مطلوب برای گذر از فضای باز به فضای بسته و بالعکس در بناهای مسکونی منطقه آذربایجان.
۲. بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان ارتباط‌دهنده‌های فضاهای باز و بسته در بناهای مسکونی سنتی و مدرن در منطقه آذربایجان.

### سوالات پژوهش:

۱. الگوی مطلوب برای گذر از فضای باز به فضای بسته در بناهای مسکونی منطقه آذربایجان چیست؟
۲. تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان ارتباط‌دهنده‌های فضاهای باز و بسته در بناهای مسکونی سنتی و مدرن در منطقه آذربایجان شامل چه مواردی است؟

**کلیدواژه‌ها:** فضاهای باز و بسته، فضای ارتباط‌دهنده، معماری سنتی، معماری مدرن، آذربایجان.

## مقدمه

توجه به معماری بومی در اواسط قرن بیستم در پی بروز مشکلات و کمبودهای حاصل از تغییراتی که مدرنیته و جامع صنعتی ایجاد کرده بود، آشکار شد. این علاقه به بررسی معماری بومی که یا در واکنش به گمنامی معماری خود و یا در صدر یافتن اصولی برای حل مشکلات شکل گرفته، ایجاد شده بود؛ طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مختلف از جمله ابعاد انسانی، نیازها و فرهنگ کاربران، مواد و مصالح ساختمانی، اقلیم، انرژی و ... را شامل می‌شود (صادق‌پی، ۱۳۹۱: ۶). محققانی چون راپاپورت یکی از عوامل مؤثر در معماری بومی را مباحث مربوط به زمینه‌های فرهنگی مطرح در معماری بومی را بر پایه مسائل فرهنگی می‌دانند؛ تا حدی که پاول با مطالعه خانه‌های جنوب شرقی آسیا، حالت سمبیزی افغانستان، ابوترابی نیجریه، پیرنیا ایران بر لزوم توجه به معماری بومی تأکید کرده‌اند. بنابر تعریفی که پاول الیور از معماری بومی دارد، معماری بومی، آن‌گونه از معماری است که از درون جوامع رشد می‌کند و طی زمان خود را با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری سازگار می‌سازد و تکامل می‌یابد و باز ارزش‌ها، اقتصاد و شیوه‌های زندگی فرهنگ‌هایی که مولد آن‌ها هستند، سازگار می‌باشند و یا به‌طور خلاصه معماری بومی، معماری مردم و معماری توسط مردم و نه برای مردم است (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۲۶).

هویت فرهنگی معماری را همان ارزش‌های رقم می‌زند که تنها در بستر بناهای سنتی ادراک می‌شود؛ چراکه معماری به آن دلیل شکل می‌گیرد تا ارزش‌ها را در خویش بپروراند و کالبدی بر آن‌ها متصور شود که اگر چنین نبود و معماری سنتی ایرانی فاقد ارزش می‌نمود، معماری ابنیه کهن بیشتر از مشتی خشت و خاک نمی‌نمود. هنر ایرانی، هنر سرشار از نبوغ اصیل ایرانی است و قومی که چنین هنری را به‌وجود می‌آورد، باید غریزه و نبوغی از آن خود داشته باشد و هنرش نیز نمی‌تواند تنها تلفیقی از عناصر برگرفته از فرهنگ‌های دیگر باشد. این نکته بر این دلالت دارد که معماری و شهرسازی، واجد رسالتی است تا ارزش‌های کهن فرهنگی را در درون خویش پاس دارد و بر این اساس، عنصری هویت‌بخش در ساختار فرهنگی شمرده شود، چنانچه همگونی فرهنگ و معماری در آثار معماری جهان مشاهده می‌شود (بمانیان، ۱۳۸۹).

واژه معماری بیش از هر بنای دیگری به مسکن تعلق دارد و هر تعریف یا خصوصیتی داشته باشد، تجسم آن قبل از هر جای دیگری در مسکن دیده می‌شود. مسکن از دو منظر اصلی همواره مورد توجه بوده است، یکی به آن دلیل که اصلی‌ترین عنصر شهر است، و دیگر به آن دلیل که مورد نیاز و توجه همه انسان‌ها در همه مکان‌ها و همه زمان‌ها می‌باشد. علاوه بر آن به دلیل آن که مسکن (یا خانه) اولاً مکان زندگی خانواده است و ثانیاً به دلیل بار هنری و زیباشناسانه آن، که هر دو بار ارزشی و فرهنگی دارند، توجه به آن و مطالعه در زمینه شناخت ویژگی‌های مطلوب مسکن همه‌گیر بوده است (نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۷).

امروزه با وجود استفاده از تکنولوژی‌های مدرن و صرف هزینه‌های سنگین در احداث خانه‌ها، مشاهده می‌شود که آن‌طور که باید، آسایش در خانه‌های مسکونی تأمین نشده است. این امر ناشی از بحران هویتی در معماری امروز و تقلید کورکورانه از معماری غربی است. در صورتی که خانه‌های سنتی ایران با طراحی درست و شناخت صحیح مصالح و عناصر ساختمانی و بکارگیری درست آن باتوجه به مسائل اقلیمی آن منطقه، معماران توانسته‌اند بدون صرف هزینه‌های گزاف و در عین سادگی پاسخگوی نیازهای ساکنین آن خانه باشند. اما متأسفانه در قرن حاضر این اصول

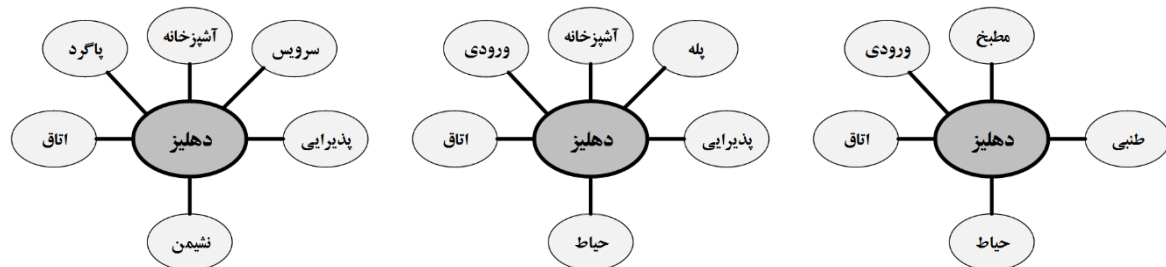
معماری سنتی جای خود را به تقلید از معماری غربی داده و خانه ایرانی را دستخوش چالش‌ها و معضلات گوناگون ساخته است.

تبدیل خانه‌های گذشته به آپارتمان‌های امروزی، موجب تحول ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و فضایی معماری مسکن و محیط‌های مسکونی شده است. فضاهای باز خصوصی و فضاهای مشاع به‌عنوان فضاهای مابین و ارتباطی بیرون و درون در واحدهای مسکونی، هم از نظر برقراری روابط اجتماعی در مقیاس همسایگی و محله‌ای و هم از نظر ساختار و سیمای شهر و تأمین پیوستگی بافت‌های مسکونی، در سلسله‌مراتب ارتباط فضاهای مسکونی و محیط دگرگونی اساسی ایجاد کرده است. تولید انبوه مسکن آپارتمانی و استفاده از الگوهای طراحی وارداتی نیز به ابهام ارتباط بیرون و درون واحدهای مسکونی افزوده است. هرچند که در نوشته‌های پژوهشگران غربی نیز ابهام در ارتباط منطقی بیرون و درون در طراحی و استفاده از مسکن آپارتمانی مطرح بوده است. کریستوفر الکساندر به نقل از یک تحقیق انگلیسی در خصوص بالکن آپارتمان و خانه‌های کوچک، به این نکته اشاره می‌کند که دو سوم از افراد بنابر دلایل خاص خود هرگز از بالکن‌هایی که خلوت و زندگی خصوصی در آن‌ها تأمین نشده باشد، استفاده نمی‌کنند (الکساندر، ۱۳۸۸). امروزه طراحی مسکن مطلوب در سرتاسر کشور امری ضروری می‌باشد. اما طراحی مسکن مطلوب در منطقه آذربایجان جهت ارتقا کیفیت زندگی ساکنین نه تنها جنبه جدیدی از پژوهش بوده بلکه ضروری نیز می‌نماید، زیرا تدوین اصول و معیارهای معماری ایرانی-اسلامی در منطقه آذربایجان و به‌کارگیری آن در طراحی یک بنا نه تنها در حفظ معماری اصیل و بومی این منطقه کمک شایانی می‌کند بلکه سبب اشاعه فرهنگ و این معماری بومی نیز می‌شود. فضای بینابین با مفاهیمی همچون هم‌جواری، خلوت، ازدحام و... همراه است. این لغات به لحاظ کارکرد؛ فضای شخصی، فضای اجتماعی، فضای عمومی و فضای خصوصی را می‌سازند. این فضاها نشان‌دهنده و نمایانگر میزان حریمیت و به عبارتی حریم و قلمروی میان عرصه‌های متعدد فضایی می‌باشند؛ چراکه «رعایت حریم نه تنها عامل تفکیک و تشخیص پدیده از حوزه‌های هم‌جوار است بلکه بر چگونگی نحوه اتصال هم دلالت دارد»؛ بنابراین یکی از اصلی‌ترین وظایف فضای بینابین کنترل قلمرو و مالکیت می‌باشد. دریافت، تفسیر، تغییر و تجزیه و ترکیب اطلاعات و مفاهیم نیز از جمله کارایی‌های فضای بینابین به لحاظ معنایی می‌باشد؛ بنابراین فضای بینابین محل مواجهه کارکردهای درونی و برونی می‌گردد و به‌مثابه برآیند تأثیرگذاری نیروهای درونی و برونی، هم به تحدید شکلی که واجد معناست می‌پردازد و هم امکان تعامل و ارتباط آن شکل را با پیرامون فراهم می‌آورد. از این‌رو، نوشتار حاضر درصدد شناسایی مهم‌ترین شاخص‌های فضای بینابین و تأثیرگذار بر سبک زندگی مسکن سنتی و تعیین چگونگی به‌کارگیری این شاخص‌ها در مسکن مدرن گام برداشته و به ارزیابی این دیدگاه در شهرهای منطقه آذربایجان شامل شهرهای اردبیل، تبریز و زنجان پرداخته است.

## نتیجه‌گیری

مهم‌ترین تفاوت خانه‌های سنتی و مدرن براساس مطالعات تطبیقی به‌دست‌آمده در خانه‌های شهرهای منطقه آذربایجان دهلیز است. دهلیز در معماری به معنی دروازه و اندرون سراسر و دهالیز بر آن جمع بسته‌اند. بخش از خانه فضاهای همچون مطبخ، طنبی، اتاق، حیاط را به همدیگر و خود نیز به ورودی مرتبط می‌کرد. در دوره سنتی معاصر (دوره پهلوی) نیز نظام کلی خانه‌های سنتی برپا بوده است و به دلیل روی آوردن به طبقات پله نیز به دهلیز اضافه شده است و رفته‌رفته با ورود به دوران امروزی، دهلیز از نقش اصلی خود جدا شده و به‌عنوان یک فیلتر عمل می‌کند و فضایی مانند سرویس بهداشتی با دهلیز ارتباط پیدا می‌کند. البته در سال‌های اخیر پذیرایی به‌عنوان مفصل ارتباطی فضاها

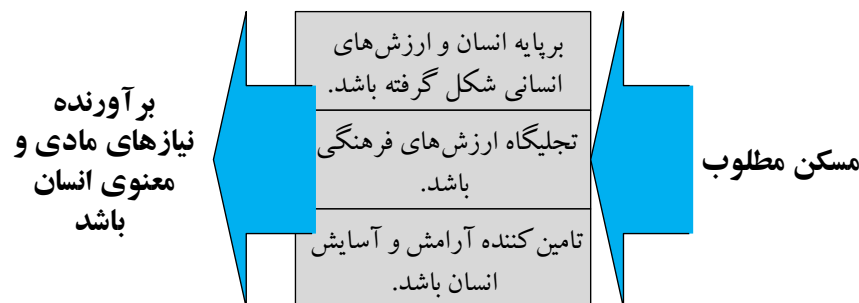
مطرح شده است و دهلیز به کلی از بین رفته است. در شکل‌های زیر فضاهای مرتبط با دهلیز در معماری سنتی (قاجاریه)، سنتی معاصر (پهلوی) و مدرن (بعد از انقلاب اسلامی) ارائه شده است (تصویر شماره ۲۲).



تصویر ۱. فضاهای مرتبط با دهلیز در معماری سنتی قاجاریه (سمت راست)، پهلوی (وسط) و مدرن (سمت چپ)

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۰)

در دوران معاصر یکی از مسائلی که در مورد جامعه بشریت وجود دارد، مسئله مسکن مطلوب است. اکنون به دلیل کمبود زمین و گرانی خانه افراد مجبور به بسنده کردن به مساحت‌های کوچک برای مسکن خود هستند و طبعاً فضاهای خانه تا آنجا که ممکن است باید مورد استفاده قرار بگیرد و کارایی داشته باشند. در یک نگاه کلی، می‌توان عنوان نمود که مسکن مطلوب مسکنی است که برپایه انسان و برپایه ارزش‌های انسانی، تجلی‌گاه ارزش‌های فرهنگی و تأمین‌کننده آرامش و آسایش انسان شکل گرفته باشد (تصویر شماره ۲۳)



تصویر ۲. اصول و معیارهای مسکن مطلوب در خانه‌های منطقه آذربایجان

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۰)

مهم‌ترین ویژگی‌های خانه مطلوب شامل موارد زیر است:

- انسان در جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی، سکنی‌گزیند که در آن احساس آرامش و آسایش نماید و لذا یک مسکن مطلوب باید بتواند آسایش و آرامش یک خانواده را فراهم آورد.
- انسان در جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی زندگی کند که در آن احساس امنیت و ایمنی نماید و لذا یک مسکن مطلوب باید بتواند درجات مختلف امنیت را برای ساکنین خود فراهم سازد.
- انسان در جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی زندگی کند که در آن احساس محرمیت نماید.

- انسان در جهت نیل به کمال می‌بایست در مسکنی زندگی کند که در آن امکان ارتباط با طبیعت، امکان مرتفع‌شدن نیازهای انسان و امکان دسترسی به منابع تأمین‌کننده نیازها فراهم باشد.

ارائه الگوهای منطبق با فرهنگ بومی منطقه آذربایجان می‌تواند نظم مطلوبی را به ساختار این شهرها داده و چون این الگوها برآمده از رموز نهفته در معماری گذشتگان است، اصلاح‌هایی را در زمینه فضای شهری، فرهنگ، سازه، مصالح، تناسبات، چیدمان و... به همراه خواهد داشت که موجب صرفه‌جویی اقتصادی و ارتقاء کیفیت فضاها و افزایش حس تعلق و آسایش کاربران خواهد بود. اصلی‌ترین نتیجه در این پژوهش، متوجه هویت مکانی، روح خانه و چیستی آن در شهرهای منطقه آذربایجان و راه‌های دستیابی به آن می‌باشد که برای این امر راهکار را در یافتن الگوی مسکن مناسب داشته و از منظر ایجاد مکان پایدار برای خانه هویت‌مند آذری اندیشیده شده است. حال با بررسی خانه‌های سنتی و امروزی می‌توان فهمید که فضاهای خانه‌های آذری در گذر زمان دستخوش تغییراتی هم در زمینه کالبد و هم شیوه زندگی و استفاده از فضا بوده است. چیزی که حائز اهمیت است، عدم توجه معماری امروزی منطقه به اصول و مفاهیم گذاشته است. مفاهیمی که گاهی از روی ناآگاهی با تعاریف نامانوس دیگران جایگزین شده است. تغییرات فرسایشی در معماری خانه‌های در شهرهای منطقه آذربایجان در بعضی از موارد منجر به حذف یک فضا و مفهوم آن از خانه‌ها و اذهان مردم منطقه شده است. این درحالیست که همان مخاطبان نیازهایی را مطرح کرده‌اند که طی گذر زمان فضاهای پاسخ‌ده همان نیازها از بین رفته است و یا کم‌رنگ شده است. فضاهایی همچون دهلیز (به‌عنوان فضای ارتباط‌دهنده) از مواردی است که براساس برداشت‌ها میدانی کمبود آنها در زندگی مردم این منطقه احساس می‌شود. تغییرات انجام گرفته در مفاصل ارتباطی فضاها، شکل و الگوی پلان، تغییرات در موقعیت و نحوه ورود به فضا، روشنایی و عملکرد فضا و در نهایت تطبیق کالبدی خانه با شیوه زندگی مردم منطقه حاکی از این است که کیفیت فضاها در مواردی به‌خصوص در بحث کالبدی سیر نزولی داشته است، به‌طوری‌که باعث تغییر در شیوه زندگی مردم شده است.

#### فهرست منابع و مآخذ:

ابوالقاسمی، لطیف. (۱۳۶۶). هنجار شکل‌یابی معماری ایران، در کتاب معماری ایران، دوره اسلامی. گردآوری: یوسف کیانی، تهران: انتشارات جهاددانشگاهی.

الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۸). استانداردها در طراحی معماری. ترجمه: فرشید حسینی، تهران: انتشارات مهرآزان.

بدیعی، ناهید. (۱۳۸۱). جداره‌ها (حریم وصل). رساله دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، تهران: دانشگاه تهران، تهران.

بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، مریم و رحمت‌پناه، جنت. (۱۳۸۹). «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد)». مطالعات هنر اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۳، ۵۵-۸۸.

بورديو، پیر. (۱۳۹۰). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ثالث.

حائری، محمدرضا. (۱۳۷۵). «طراحی مسکن امروزی و اصول معماری خانه‌های سنتی». فشرده یافته‌های طرح مطالعاتی، آبادی، شماره ۲۳، ۲۲-۲۸.

راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت، مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

رضاخانی، ژیلا. (۱۳۹۲). «مفصل در معماری». رساله دکتری معماری، پردیس هنرهای هنرهای زیبا، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران.

صادق‌پی، ناهید. (۱۳۹۱). «تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی». نشریه شهر و معماری بومی، شماره ۵، ۲. عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۸۲). «الگوی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۳، ۶۴-۷۷.

عینی‌فر، علیرضا و علی‌نیای مطلق، ایوب. (۱۳۹۳). «تبیین مفهوم بیرون و درون در فضاهای مابین مسکن آپارتمانی (مطالعه موردی: بالکن در سه نمونه از مجموعه‌های مسکونی تهران)». نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۲، ۴۰.

محمودی مهماندوست، مرتضی. (۱۳۹۶). «معنا در مسکن، بازخوانی روایت مسکن دیروز برای زندگی امروز». نشریه علمی اندیشه معماری، ۱(۲)، ۹۸-۱۱۲.

میرشاهزاده، شروین؛ غلامرضا و عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۹۰). «نقش فضای مرزی-پیوندی در فرآیند آفرینش معنا». هویت شهر، شماره ۹، ۱۶-۵.

نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۶). «مسکن اسلامی (مبانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال)». نشریه علمی اندیشه معماری، ۱(۲)، ۴۷-۶۷.

Alizadeh, Q. (۱۹۶۳). National Architecture of Azerbaijan and positive points of tradition in it. Baku: Azer-Nashr.

Bourdieu, P. (۱۹۹۰). The Logic of Practice, Cambridge: Polity Press.

Bourdieu, P. (۱۹۹۶). Distinction: "a social critique of the judgement of taste. translated by Richard Nice", Harvard university press, Cambridge Massachusetts.

Evans, D. (۱۹۹۶). An introductory dictionary of Lacanian psychoanalysis, Routledge press, London.

#### منابع تصاویر:

آرشیو میراث فرهنگی تبریز، ۱۳۸۹

آرشیو میراث فرهنگی زنجان، ۱۳۸۶